



دانشگاه ساری
پیشام

تحولات سیاسی و اجتماعی ایران

از ۱۲۲۸ تا ۱۳۲۰

(رشته علوم سیاسی)

دکتر مرتضی نعمتی زرگران

امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه‌ی الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پر بار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه‌ی مطالعه‌ی هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز از این وضعیت بارها اظهار گله و ناخشنودی نموده‌اند.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان، تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین

سوره‌ای که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره‌ی جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه‌ی مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه‌ی خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

فهرست مطالب

مقدمه نه

بخش اول. از ابتدای قاجاریه تا پایان سلطنت ناصرالدین شاه ۱

فصل اول. از آغامحمدخان تا محمدشاه: دوره ضعف جامعه ۳

هدف کلی ۳

هدف‌های رفتاری ۳

۱-۱ برخی نظریه‌ها درباره تحولات سیاسی - اجتماعی ایران ۴

۲-۱ تحولات در سطح دولت ۱۰

۱-۲-۱ روی کار آمدن قاجاریه و ساختار سیاسی آن ۱۰

۲-۲-۱ اصلاحات سطحی عباس میرزا ۳۱

۳-۲-۱ بحران جانشینی عباس میرزا و فتحعلی شاه ۴۴

۴-۲-۱ اصلاحات قائم مقام فراهانی ۴۸

۳-۱ تحولات در سطح جامعه ۵۱

۱-۳-۱ ساختار اجتماعی ایران در دوره قاجاریه ۵۲

۲-۳-۱ جنگ دوم ایران و روسیه و نقش نیروهای اجتماعی ۶۳

۳-۳-۱ جنبش اجتماعی قتل گریبایدوف ۶۴

۴-۳-۱ شکل‌گیری فرقه بابیه ۶۵

جمع‌بندی فصل ۶۹

خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل اول ۷۰

فصل دوم. دوره ناصرالدین شاه: عصر شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی ۷۷

هدف کلی ۷۷

هدف‌های رفتاری ۷۷

۷۸.....	۱-۲ تحولات در سطح دولت
۷۸.....	۱-۱-۲ چالش به قدرت رسیدن ناصرالدین شاه
۸۱.....	۲-۱-۲ اصلاحات امیرکبیر
۹۲.....	۳-۱-۲ اصلاحات سپهسالار
۹۵.....	۴-۱-۲ عصر امتیازات و قرارداد رویتز
۹۷.....	۵-۱-۲ تشکیل نیروی قزاق
۹۸.....	۲-۲ تحولات در سطح جامعه
۹۸.....	۱-۲-۲ تحول طبقاتی در دوره ناصرالدین شاه
۱۰۵.....	۲-۲ نهضت تنباکو
۱۰۹.....	جمع‌بندی فصل
۱۱۰.....	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دوم
۱۱۵.....	بخش دوم. از انقلاب مشروطیت تا پایان سلطنت رضاشاه
۱۱۷.....	فصل سوم. انقلاب مشروطه: افزایش قدرت اجتماعی
۱۱۷.....	هدف کلی
۱۱۷.....	هدف‌های رفتاری
۱۱۹.....	۱-۳ تحولات در سطح دولت
۱۱۹.....	۱-۱-۳ آغاز زوال قاجاریه و قتل ناصرالدین شاه
۱۲۱.....	۲-۱-۳ روی کار آمدن مظفرالدین شاه
۱۲۴.....	۳-۱-۳ روی کار آمدن امین‌الدوله
۱۲۷.....	۴-۱-۳ صدارت عین‌الدوله و شتاب انقلاب مشروطه
۱۲۹.....	۵-۱-۳ وابستگی دولت به قدرت‌های خارجی
۱۳۱.....	۶-۱-۳ فرمان تأسیس عدالت‌خانه
۱۳۳.....	۷-۱-۳ فرمان مشروطه
۱۳۵.....	۸-۱-۳ روی کار آمدن محمدعلی شاه و کودتا علیه مشروطه
۱۳۸.....	۹-۱-۳ دولت‌های پس از نهضت دوم مشروطه تا کودتای ۱۲۹۹
۱۴۳.....	۲-۳ تحولات در سطح جامعه
۱۴۳.....	۱-۲-۳ نهضت اجتماعی مشروطیت
۱۵۱.....	۲-۲-۳ علل بیداری مردم در انقلاب مشروطیت
۱۶۵.....	۳-۲-۳ طبقات اجتماعی در انقلاب مشروطیت
۱۷۳.....	۴-۲-۳ مبارزه اجتماعی برای مشروطیت پس از کودتای محمدعلی شاه
۱۷۶.....	۵-۲-۳ تحولات اجتماعی دوره حاکمیت دولت مشروطه
۱۹۳.....	جمع‌بندی فصل
۱۹۴.....	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل سوم
۱۹۹.....	فصل چهارم. سلطنت رضاشاه
۱۹۹.....	هدف کلی

هدف‌های رفتاری	۱۹۹
۱-۴ تحولات در سطح دولت	۲۰۰
۱-۴-۱۱ از کودتا تا سلطنت	۲۰۰
۱-۴-۲ شبه‌کودتای تغییر سلطان (رضاخان به جای احمدشاه)	۲۳۶
۱-۴-۳ ارزیابی دوره سلطنت رضاشاه	۲۴۳
۲-۴ تحولات در سطح جامعه	۲۷۹
۲-۴-۱-۲ انادهای مدنی در دوره رضاشاه	۲۸۱
۲-۴-۲-۲ مقاومت‌های مذهبی در مقابل اقدامات رضاشاه	۲۸۴
۲-۴-۳-۲ فعالیت‌های کمونیستی در دوره سلطنت رضاشاه	۲۸۹
جمع‌بندی فصل	۲۹۴
خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل چهارم	۲۹۶
نتیجه‌گیری	۳۰۱
پاسخنامه خودآزمایی‌های چهارگزینه‌ای فصل‌ها	۳۰۹
منابع	۳۱۱

مقدمه

ایران از جمله کشورهایی است که دارای یک تاریخ کهن و طولانی است. در طول این مدت این سرزمین تحولات مهمی را از سر گذرانده است. از میان این تاریخ طولانی، تحولات معاصر یعنی از دوره قاجاریه دارای اهمیت خاصی است. در واقع تحولات سیاسی - اجتماعی از دوره قاجاریه است که تا حد زیادی سرنوشت کنونی ما را هم رقم زده است. با توجه به اهمیت ژئوپلیتیک ایران، این کشور همواره مورد توجه قدرت‌های خارجی نیز بوده است. لذا علاوه بر نیروهای داخلی، قدرت‌های سلطه‌گر نیز در تحولات سیاسی - اجتماعی تأثیر عمده‌ای داشته‌اند. نیروهای داخلی را می‌توان به دو عامل مهم تقسیم نمود. دولت یا نیروهای سیاسی و جامعه یا نیروهای اجتماعی.

بنابراین نگارنده سه ضلع اساسی تحولات ایران را «جامعه»، «دولت» و «نظام جهانی» می‌داند و عبارت «تضاد ملت و دولت‌ها» را انتخاب می‌کند. بر این اساس تلاش‌های ملت ایران برای تحول در هر مقطع تاریخی با دو مانع اصلی یکی دولت حاکم در داخل و دیگری دولت‌های مسلط بین‌المللی وقت، مواجه شده و تلاش‌هایش دستاورد کافی را در پی نداشته است. البته در این زمینه نباید توسعه‌نیافتگی «جامعه» را به‌عنوان یکی از عوامل ناکامی فراموش کرد. نبود سرمایه اجتماعی در ایران یکی از علل ناکامی اصلاحات قائم مقام و امیرکبیر بوده است. اما این توضیح را باید افزود که اگر اراده دولت حاکم داخلی و قدرت مسلط بین‌المللی بر پیشبرد توسعه در ایران استوار بود، غلبه بر توسعه‌نیافتگی جامعه نیز امکان‌پذیر بود. با این حال با مروری بر تحولات مشخص می‌شود که عکس این توقع به وقوع پیوسته و ملت در تلاش و

نهضت برای توسعه یافتگی با دو مانع «ساختار سیاسی داخلی» و «ساختار بین‌المللی» مواجه گشته است.

نگاه به تحولات سیاسی - اجتماعی ایران به‌عنوان «متن درسی دانشگاه» نیز مهم است. مشکل عمده‌ای که در این زمینه وجود دارد، فقدان دسته‌بندی مناسب در تدوین این آثار است به‌گونه‌ای که حداقل برخی از دانشجویان رشته علوم سیاسی پس از گذراندن واحدها، قادر به دسته‌بندی و ارائه تحلیل مناسبی از تحولات سیاسی - اجتماعی ایران نیستند. به نظر نگارنده شیوه انتخاب مباحث باید با توجه به‌عنوان درس صورت گیرد که در زیر به آن اشاره می‌شود. هر کدام از واژه‌های عنوان «تحولات سیاسی - اجتماعی ایران» بار معنایی خاص خود را دارد که بررسی آن‌ها ما را به مباحث مورد نیاز در این درس رهنمون می‌سازد. مفهوم نخست واژه «تحولات» است. منظور از تحولات آن پدیده‌هایی در تاریخ سیاسی اجتماعی ایران است که تأثیر عمده‌ای بر سرنوشت کشور داشته باشد. در این زمینه با الگوبرگشت از سه عامل تأثیرگذار جامعه، دولت و نظام بین‌الملل می‌توان تحولات را به تحولات اجتماعی، سیاسی و خارجی تقسیم کرد. تحولات اجتماعی در سطح جامعه و تحولات سیاسی در سطح دولت به وقوع پیوسته است. تحولات خارجی نیز به آن دسته از تحولاتی اشاره دارد که مربوط به خارج از کشور بوده، اما بر سرنوشت جامعه و دولت در ایران نیز تأثیر گذاشته است.

درباره مفهوم «تحولات» یک نکته قابل اشاره است و آن اینکه ما هر حادثه و پدیده‌ای را نمی‌توانیم تحول بنامیم. بلکه این تحول باید ویژگی‌هایی داشته باشد. نخست تحولی فراگیر و در سطح ملی باشد. دوم بر سرنوشت جامعه تأثیر گذاشته باشد. سوم و در حد امکان تحول باید اثر ماندگار و طولانی داشته باشد و نسل‌های بعدی را نیز تحت تأثیر قرار داده باشد. بنابراین در این آثار به‌عنوان متون درسی نباید به هر حادثه‌ای پرداخت. زیرا این وضعیت علاوه بر آن که حجم مطلب را بالا می‌برد و یادگیری را برای دانشجویان سخت می‌کند، قدرت جمع‌بندی و تحلیل را نیز از آنان سلب می‌نماید. متأسفانه برخی از آثار دارای این ویژگی هستند.

مفهوم دیگر واژه «سیاسی - اجتماعی» است. ذکر دو واژه «سیاسی و اجتماعی» را نباید این گونه معنی کرد که این دو واژه صرفاً به تحولات سیاسی و اجتماعی اشاره دارد؛ زیرا گاهی تحولاتی در عرصه‌های دیگر اتفاق افتاده که پیامدهای سیاسی و

اجتماعی داشته است. در این زمینه به عنوان مثال می توان به تحولات نظامی و فرهنگی اشاره کرد. بنابراین دو واژه سیاسی و اجتماعی در بطن خود تحولات مهم در عرصه های دیگر را دربر دارد. برای نمونه نمی توان شکست نظامی ایران از روسیه، اعزام محصل به اروپا، تأسیس روزنامه و تأسیس دارالفنون را نادیده گرفت و بدان نپرداخت.

لازم است که درباره واژه «ایران» در موضوع «تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران» هم قدری توضیح داده شود. ذکر کلمه «ایران» نباید این برداشت را در پی داشته باشد که عامل تحولات فقط داخلی و در چارچوب مرزهای کشور ایران بوده است؛ بلکه نمی توان تأثیر عامل خارجی را بر ایران نادیده گرفت. بسیاری از تحولات سیاسی - اجتماعی ایران ناشی از دخالت های خارجی بوده است. در این زمینه می توان تأثیرپذیری دولت و جامعه ایران از جنگ های ایران و روسیه را نام برد. فصل بندی کتاب براساس این ملاحظات انجام شده است. گرچه فصل بندی نخست براساس تاریخ است، اما در هر فصل تحولات در سطح دولت از تحولات سطح جامعه تفکیک شده است. به این ترتیب که در هر دوره تاریخی ابتدا به تحولات مهم در سطح دولت پرداخته می شود و پس از آن تحولات در سطح جامعه بیان می گردد که در این جا بسیاری از حوادثی که اهمیت چندانی ندارند از قلم می افتند. البته این مسئله تا حدودی طبیعی است زیرا همه حوادث این دوره طولانی از تاریخ ایران را نمی توان به طور کامل در یک کتاب درسی بیان نمود. بلکه ذکر تحولات مهمی که در سرنوشت کشور تأثیرگذار بوده اند کافی به نظر می رسد. بنابراین روش ما در این کتاب روشی تاریخی با رویکردی سیاسی و اجتماعی است که در آن تحولات دوره قاجاریه در دو سطح دولت و جامعه بررسی می شود. به عبارت دیگر تحولات در سطح دولت تحولات سیاسی و تحولات در سطح جامعه، تحولات اجتماعی نامیده می شوند. البته سایر تحولاتی نیز که دارای تأثیراتی در سطح دولت و جامعه بوده و آثار ماندگاری را در سرنوشت کشور داشته اند، ذکر می شوند. از آن جمله می توان به تحولات علمی و فرهنگی در هر دوره اشاره کرد.

این روش به علاوه به دانشجویان و سایر علاقمندان کمک می کند تا در کنار مرور حوادث تاریخی با نگاه تحلیلی بیشتری به عوامل تحولات سیاسی و اجتماعی در کشور بپردازند و سهم دولت و مردم را در هر تحولی بررسی کنند.

بنابراین «جامعه» و «دولت» دو عامل اصلی و کلان داخلی تحولات محسوب می‌شوند. علاوه بر این دو، عامل سوم به‌عنوان «عامل خارجی» در خارج از مرزهای ایران بوده و لازم است در هرگونه تحلیلی درباره تحولات سیاسی - اجتماعی ایران، در نظر گرفته شود. با این حال از آنجایی که در درس «تاریخ روابط خارجی ایران» به‌طور مفصل به آن پرداخته می‌شود دیگر تکرار آن در اینجا لازم نبوده و خسته‌کننده خواهد بود. بنابراین دو درس «تحولات سیاسی - اجتماعی ایران» و «تاریخ روابط خارجی ایران» در حقیقت مکمل یکدیگر محسوب می‌شوند. یکی به عوامل داخلی تحولات سیاسی - اجتماعی و دیگری به عوامل خارجی تحولات سیاسی - اجتماعی می‌پردازد. در خصوص فصل‌بندی باید گفت که مباحث به دو بخش تقسیم شده‌است. بخش اول از ابتدای قاجاریه تا پایان سلطنت ناصرالدین‌شاه و بخش دوم از انقلاب مشروطیت تا پایان سلطنت رضاشاه. بخش اول شامل دو فصل است که فصل اول از ابتدای قاجاریه تا محمدشاه را شامل می‌شود و فصل دوم دوره سلطنت ناصرالدین شاه را دربر می‌گیرد. بخش دوم هم شامل دوره انقلاب مشروطیت و سلطنت رضاخان است. البته هر کدام از این فصول به دو گفتار تقسیم می‌شوند که در گفتار اول تحولاتی که عامل آن‌ها دولت بوده است و در گفتار دوم تحولاتی که عامل آن مردم بوده‌اند بیان خواهد شد.

بخش اول

از ابتدای قاجاریه تا پایان
سلطنت ناصرالدین شاه

فصل اول

از آغامحمدخان تا محمدشاه: دوره ضعف جامعه

هدف کلی

آشنایی با تحولات سیاسی و اجتماعی از آغاز سلطنت آغامحمدخان تا پایان سلطنت محمدشاه

هدف‌های رفتاری

از دانشجویان گرامی انتظار می‌رود:

۱. با برخی نظریه‌ها درباره تحولات سیاسی - اجتماعی ایران آشنا شوند.
۲. نسب دودمان قاجار را بشناسند.
۳. چگونگی به قدرت رسیدن قاجارها را بیان کنند.
۴. ساختار سیاسی و نوع حکومت قاجارها را توضیح دهند.
۵. تقسیم‌بندی نظام‌های سیاسی به پاتریمونیال و نئوپاتریمونیال یا سلطانی را بدانند.
۶. اصلاحات دوره عباس میرزا را توضیح دهند.
۷. بحران جانشینی عباس میرزا و فتحعلی شاه را بیان کنند.
۸. دخالت روسیه درانتخاب پادشاهان ایران را بدانند.
۹. اصلاحات قائم مقام فراهانی را توضیح دهند.
۱۰. ساختار قومی و مذهبی جامعه ایران در دوره قاجاریه را توضیح دهند.
۱۱. گروه‌های اجتماعی ایران در دوره قاجاریه را بشناسند.
۱۲. نقش هر کدام از بخش‌های کشاورزی، دامپروری و تولیدات شهری در جامعه ایران دوره قاجار را بیان کند.

۱۳. نقش مردم در جنگ‌های ایران و روسیه را بیان کنند.

۱۴. جنبش قتل گریبایدوف را توضیح دهند.

۱۵. ظهور جنبش بابیه و ریشه‌های آن را بیان کنند.

۱-۱ برخی نظریه‌ها دربارهٔ تحولات سیاسی - اجتماعی ایران

دربارهٔ تحولات سیاسی - اجتماعی ایران آثار زیادی وجود دارد و ما نمی‌توانیم به ذکر همهٔ آن‌ها بپردازیم. لذا در اینجا به برخی از مهم‌ترین نظریه‌ها که برای فهم تحولات ایران راهگشا هستند می‌پردازیم.

تلاش‌های فراوانی برای تحلیل تئوریک تحولات سیاسی - اجتماعی ایران به‌ویژه مقطع میان روی کار آمدن صفویه تا سقوط پهلوی در ایران صورت گرفته است و تعدادی از آثار موجود به حق پژوهشی عمیق و علمی را در این زمینه ارائه داده‌اند.

اما به‌رغم احترام به خالقان این آثار، ممکن است هر کدام از پژوهش‌ها ضمن پرداختن به مسائل اساسی، یک جنبه از واقعیت‌های تحولات سیاسی - اجتماعی را نادیده گرفته باشند. البته طبیعی است که برای هر نظریه‌پرداز یک جنبه از تحولات دارای اهمیت باشد. خصلت نظریه‌پردازی هم این است که یک محور از تحولات برجسته‌شده و نظریه براساس آن ارائه شود. در این جا برای نمونه به برخی از آثار درباره تاریخ معاصر ایران اشاره می‌شود.

کاتوزیان در آثار خود نظریهٔ «تضاد ملت و دولت» را در بررسی تاریخ تحولات دورهٔ قاجاریه و پهلوی به کار می‌برد.^۱ این نظریه به درستی به یک مورد کلان از تفاوت تحولات ایران با اروپا اشاره می‌کند و آن اینکه در قیام‌ها و انقلاب‌های اروپا بخشی از جامعه در برابر بقیهٔ جامعه؛ یعنی بر ضد بخشی که طبقه اجتماعی مرفه‌تر و قدرتمندتر بود، قرار می‌گرفت. لذا دولتی که تشکیل می‌شد، نماینده بخش غالب جدید بود. اما در قیام‌ها و انقلاب‌های ایران نه بخشی از جامعه در مقابل بخش دیگر بلکه همه بخش‌های جامعه در مقابل دولت قرار می‌گرفتند. بر همین اساس کاتوزیان از نظریه «تضاد ملت و دولت» استفاده کرده است. این نظریه بخشی از واقعیت‌های سیاسی - اجتماعی جامعه

۱. رک محمدعلی همایون کاتوزیان، *تضاد دولت و ملت، نظریه تاریخ و سیاست در ایران*، ترجمه علیرضا طیب،

(تهران: نشر نی، چاپ سوم، ۱۳۸۴)

ایران را نشان می‌دهد، اما اگر قبول داشته باشیم که از زمان روی کار آمدن سلسله قاجاریه و به‌ویژه بعد از شکست ایران از روسیه، ایران در موقعیت وابستگی قرار گرفت، باید در نظریه‌پردازی نیز به این واقعیت خارجی اشاره شود. قیام‌ها و انقلاب‌ها در ایران نه تنها «تضاد ملت و دولت» بلکه تضاد ملت و دولت‌ها بوده است. به این معنا که تلاش‌های مردم ایران برای پیشرفت هم با مانع دولت در داخل و هم دخالت‌ها و کارشکنی‌های دولت‌های خارجی مواجه بوده و نتایج موردنظر را به بار نیاورده است. لذا به نظر می‌رسد که عبارت «تضاد ملت و دولت‌ها» واقعیت‌های بیشتری را تحت شمول قرار می‌دهد. به عبارتی از زمان شکست ایران از روسیه ملت ایران در یک طرف و دولت‌های حاکم داخلی و دولت‌های بین‌المللی در طرف دیگر قرار داشتند و هر زمان مردم خواستار تحول بودند این دو مانع بزرگ در مقابل آن‌ها قرار می‌گرفتند.

کاتوزیان در کتاب دیگر خود «ایران، جامعه کوتاه‌مدت» به یک تفاوت دیگر تحولات ایران در مقایسه با کشورهای اروپایی اشاره می‌کند. براساس این نظریه در جامعه ایران تغییرات، حتی تغییرات مهم و بنیادین اغلب عمری کوتاه داشته است. وی کوتاه‌مدت بودن جامعه ایران را به این معنی می‌داند که در ایران گرچه طبقات لشگری، دیوانی و مالک وجود داشت اما این طبقات بیش از یک یا دو نسل دوام نمی‌آورد. اریستوکراسی سنتی اروپا یا حتی طبقه بازرگان عمری بلندمدت داشت اما در ایران مالکیت و موقعیت اجتماعی عمری کوتاه‌مدت داشت. موقعیت صاحبان رتبه و ثروت حاصل توارثی درازمدت نبود و اینان انتظار نداشتند که وارثانشان بنابر حقی بدیهی در این موقعیت باقی بمانند. کوتاه‌مدت بودن جامعه ایران از یک طرف ناشی از فقدان یک چارچوب استوار و خدشه‌ناپذیر قانونی بود و از طرف دیگر به این علت بود که امتیازات چیزی شخصی شناخته می‌شد و در شمار حقوق اجتماعی موروثی و نقض‌ناشدنی نبود. حتی جایگاه شاه هم در این میان مستثنی نبود زیرا مشروعیت و حق جانشینی کم و بیش همواره در معرض چالش‌هایی جدی و حتی شورش قرار داشت. این نظریه گویاترین کلام برای توصیف ماهیت کوتاه‌مدت جامعه ایران را «خانه کلنگی» می‌داند. بیشتر این خانه‌ها بناهایی است که بیش از سی سال دوام ندارد. گرچه این خانه‌ها از شالوده و اسکلتی مناسب برخوردارند و در موارد معدودی فرسوده هستند و نیاز به مرمت دارند، اما از بن ویران می‌شوند. این خانه‌ها ساختمانی بی‌ارزش محسوب می‌شوند که فقط زمین آن‌ها به حساب می‌آید. نیروهای جدید به جای نوسازی آن خانه

یا هر بنای دیگر و افزودن بر سرمایه مادی موجود، کل آن ساختمان را ویران می‌کنند. بنابراین تجربه دیروز از بین می‌رود. «جامعه کلنگی» همان جامعه‌ای است که از جنبه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، آموزشی و ادبی پیوسته در معرض خطر است. هوا و هوس کوتاه‌مدت جامعه همواره با کلنگ به جان آن می‌افتد. نظریه جامعه کوتاه‌مدت به ویژگی مهم جامعه ایران که همان فقدان انباشت تجربه است اشاره می‌کند. ریشه اصلی این ویژگی به دولت برمی‌گردد که دارای مشکل مشروعیت و جانشینی است و چون جانشینی با زور و خشونت صورت می‌گیرد، همه تجربه‌های پیشین از بین می‌رود و جامعه مجدداً از صفر شروع می‌کند. البته این نظریه کمتر به نقش عامل خارجی در تحولات اشاره می‌کند.

سریع‌القلم در کتاب «اقتدارگرایی ایرانی در عهد قاجار» بیشتر به عوامل فرهنگی توجه دارد که آن هم به سطح «جامعه» و «مردم» برمی‌گردد. از نظر وی ایران همه شرایط رشد اقتصادی، پیشرفت اجتماعی و قدرت منطقه‌ای را داشته است، اما چینی‌ش مناسب شرایط در تحولات تاریخی ایران شکل نگرفته است. از نظر وی مهم‌ترین وجه تحول و پیشرفت ملت‌ها «نحوه معاشرت و رموز تعامل میان آن‌هاست». این در حالی است که بررسی رفتار ایرانیان در عهد قاجار صفات و ویژگی‌های رفتاری و معاشرتی ویژه‌ای را نشان می‌دهد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: ضعف در ایجاد و حفظ روابط پایدار و ضعف در حمایت فکری از یکدیگر، نبود خودانتقادی، تندمزاجی و واکنش‌های شدید، انحصارطلبی در بهره‌برداری از قدرت و امکانات، نداشتن حد و مرز در مجازات و تخریب دیگران، حل نکردن مسائل و به تعویق انداختن آن‌ها، افراط و تفریط در موضع‌گیری‌ها، ناسازگاری در کار تشکیلاتی، جمعی و حزبی و جدی‌نگرفتن قانون. براساس این نظریه به خاطر برخورداری اکثریت ایرانیان از این ویژگی‌ها، جامعه ایران نتوانسته است به پیشرفت و توسعه دست یابد. در تاریخ قاجار نیز انسان‌هایی والا، با اخلاق، با شهامت، متدین، وطن‌دوست و قاعده‌مند وجود داشته‌اند ولی چنین شخصیت‌هایی در اقلیت محض بوده‌اند و به راحتی توسط اکثریت فرصت‌طلب، قدرت‌طلب، بی‌اصول و بی‌اخلاق کنار گذاشته شده‌اند. مشکل ایران عصر قاجار این بود که خصلت‌های فوق همه در سطح جامعه و هم در سطح حاکمان و روشنفکران رواج داشت. پیامد این خصلت‌ها و گسترده‌گی و نهادینه‌شدن آن‌ها دهه‌ها و قرن‌ها استبداد، سرکوب و اقتدارگرایی بود که نهاد انسان‌ها را در حد ژنتیک به بدخوبی و

خشونت سوق داده بود. از نظر سریع‌القلم سه عنصر کلیدی در تداوم اقتدارگرایی ایرانی عبارت بودند از:

۱. اقتصاد متمرکز مبتنی بر منافع و مصلحت شاه و درباریان
 ۲. ساختار فرهنگی برآمده از اقتدارگرایی
 ۳. ضعف در یادگیری از کشورهای موفق مثل ژاپن، کره جنوبی و مالزی.
- این سه عنصر به ترتیب باعث تداوم خلق و خوی اقتدارگرایی، ناتوانی در حل و فصل، ناسازگاری‌های فکری میان دین و تجدد، فقدان اجماع و تداوم هرج و مرج فکری و اجتماعی، فقدان شکل‌گیری مصالح و منافع کلان ملی و در نهایت فقدان شکل‌گیری فرایندهای تکامل تاریخی می‌شود. سریع‌القلم با طرح «فقدان شکل‌گیری فرایندهای تکاملی تاریخی» در واقع تعبیر دیگری از نظریه «جامعه کوتاه‌مدت»، «جامعه کلنگی» یا «فقدان انباشت تجربه و سرمایه» کاتوزیان را ارائه می‌دهد. از این منظر جامعه ایران روند تکاملی خود را در طول تاریخ طی نکرده است. یعنی جامعه ایران فاقد انباشت تجربه، انباشت علم و ثروت بوده است. به عبارتی جامعه‌ای مقطعی و کوتاه‌مدت بوده و روند تکاملی خود را طی نکرده است. یعنی ایرانیان هر نسل از تجربه نسل قبلی استفاده نکرده، بلکه دستاوردهای آن‌ها را در عرصه‌های مختلف تخریب کرده و دوباره از صفر شروع کرده‌اند. اما از نظر سریع‌القلم «فقدان تکامل تاریخی» به «ویژگی‌های فرهنگی» مردم ایران بازگشت می‌کند. در واقع نظریه سریع‌القلم از سه عامل موانع توسعه ایران یعنی «جامعه»، «دولت» و «قدرت‌های خارجی» بیشتر به عامل «جامعه» پرداخته و ویژگی‌های فرهنگی جامعه ایرانی را با اهمیت تشخیص داده است. این در حالی است که وی با بیان دو عامل کلیدی «اقتصاد متمرکز مبتنی بر منافع و مصلحت شاه و درباریان» و «ساختار فرهنگی برآمده از اقتدارگرایی»، عملاً عامل «دولت» را در بروز و ظهور ویژگی‌های فرهنگی به‌طور غیرمستقیم با اهمیت دانسته است. این نظریه بیش از هر چیز نقش قدرت‌های خارجی در تحکیم اقتدارگرایی در دوره قاجار را کمرنگ نشان داده است.

بشیریه در کتاب «موانع توسعه سیاسی/ایران» به دو مانع اصلی توسعه در ایران یعنی «ساختار سیاسی» و «پراکندگی اجتماعی و فرهنگی» می‌پردازد. این اثر «نظام جهانی» و یا «توسعه‌طلبی قدرت‌های بزرگ جهان» در هر مقطع از تاریخ ایران را به‌عنوان یک مانع اصلی بر سر راه توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران نادیده گرفته است.

شاید بتوان گفت که پژوهش جان فوران درباره تاریخ تحولات اجتماعی ایران به دلیل اشاره به سه ضلع تحولات ایران یعنی جامعه، دولت و قدرت‌های خارجی از جامعیت بیشتری برخوردار است. وی در کتاب «مقاومت شکننده» بیشتر به موقعیت وابستگی ایران بر مبنای تئوری توسعه وابسته اشاره کرده است. بر این مبنای هرگونه پژوهشی درباره تحولات سیاسی - اجتماعی ایران بدون توجه به موقعیت وابسته دولت و جامعه ایران از زمان پادشاهی فتحعلی شاه تا محمدرضا، پژوهشی جامع نخواهد بود. با این حال جان فوران نیز در تحلیل نهایی از دلایل ناکامی قیام‌ها و انقلاب‌های ایران، جنبه خارجی را نادیده می‌گیرد و ائتلاف شکننده طبقات شرکت‌کننده در قیام‌ها و انقلاب‌ها را عامل اصلی شکست آنان می‌داند. در حالی که بدون اینکه به دام تئوری توطئه^۱ بیفتیم حداقل باید بگوییم که عوامل خارجی هم‌سنگ عوامل داخلی تأثیرگذار بوده و حتی در مواردی برجسته‌تر بوده‌اند. قتل قائم‌مقام، قتل امیرکبیر، کودتای ۱۲۹۹ و کودتای ۱۳۳۲ نمونه‌های آشکاری از این قبیل هستند.

ریچارد کاتم تحولات سیاسی - اجتماعی ایران را از نگاه ناسیونالیسم یا ملی‌گرایی ایرانیان به بحث گذاشته است. وی ابتدا به تعریف موردنظر خود از ناسیونالیسم پرداخته است. «اعتقاد گروه بزرگی از مردم به اینکه یک جامعه سیاسی و یک ملت‌اند و شایستگی تشکیل دولت مستقلی را دارند و مایلند وفاداری به جامعه را در اولویت قرار داده و بر سر این وفاداری تا آخر بایستند. (کاتم، ۱۳۸۳، ۳۲) درباره تاریخ پیدایش ناسیونالیسم در ایران، کاتم معتقد است بخش گسترده‌ای از جمعیت ایران تقریباً یک قرن پس از ایالات متحده و اروپای غربی در زندگی سیاسی کشورشان مشارکت کردند. در اواخر سده نوزدهم ایرانیانی بودند که درک ناسیونالیستی داشتند. اما این درک ناسیونالیستی فراگیر نبوده و تنها عده‌ای از نخبگان از آن برخوردار بوده‌اند. هرچند این نخبگان در تعیین رفتار سیاسی ایرانیان، پیش از شکل‌گیری مشارکت توده‌ها در امور سیاسی ایران تأثیر داشته‌اند. ابتدا از نظر وی نخستین ناسیونالیست‌های ایران، نخستین تجددطلبان نیز بوده‌اند. آن‌ها خواهان یک حکومت متمرکز و مرکزی قوی بودند تا به کمک آن بتوانند به عمر نظام فئودالی و

۱. تئوری توطئه به این معناست که هر حادثه‌ای که در داخل کشور اتفاق بیفتد را ناشی از توطئه و نقش خارجی‌ها بدانیم. برای مطالعه بیشتر رک: محمدابراهیم فتاحی؛ جستارهایی درباره تئوری توطئه در ایران (تهران: نشر نی، چاپ سوم، ۱۳۸۳)

فساد حکومتی پایان دهند و نگذارند منابع کشور دربست در اختیار خارجی‌ان و بیگانگان قرار گیرد. (کاتم، ۱۳۸۳، ۳۵).

یکی از مفروضات کاتم این است که قبل از سال‌های دهه ۱۲۷۰ش، ناسیونالیسم ایران نیروی عمده‌ای نبوده است. گرچه ریشه‌های ناسیونالیسم عمیقاً در تمدن پربار و غنی ایران از هخامنشیان به بعد وجود داشته است. منظور وی این است که ناسیونالیسم به‌عنوان یک نیروی منسجم و فراگیر و دارای آگاهی ملی گرایانه از دهه ۱۲۷۰ خورشیدی شروع شده است. اما آیا می‌توان تاریخ دقیقی برای شروع ملی‌گرایی ایرانی تعیین کرد. در این زمینه کاتم اعطای امتیاز تنباکو به یک کمپانی انگلیسی در ۱۲۶۹ را یک نقطه عطف می‌داند. لذا جنبش تنباکو را می‌توان سرآغاز ظهور جنبش ملی‌گرایانه در ایران دانست. از نظر کاتم خارجی‌ان و ناصرالدین‌شاه در پی اعتراض مردم به امتیاز تنباکو با یک عامل جدید در ایران روبه‌رو شدند، عاملی که تازه در صحنه سیاسی ایران ظاهر شده بود و ناصرالدین‌شاه و شرکت انگلیسی هم وجودش را حتی در خواب هم نمی‌توانستند تصور کنند. این عامل همان افکار عمومی خشنماک و طغیان‌زده توده‌های مردم بود. (همان، ۲) البته ابتکار عمل مخالفت با امتیاز تنباکو از آن اقلیت کوچک ملی‌گرایان نبود. همان‌طور که کاتم اشاره می‌کند نخستین واکنش‌های مردمی ناشی از غرور زخم‌خورده ملی نبود، بلکه احساسات جریحه‌دار شده مذهبی بود. اما نیروهای ناسیونالیستی ایران که حالت جنینی داشتند فعالانه مشارکت کردند و از این به بعد تاریخ ایران در روندی بی‌برگشت به‌سوی تغییر گام برداشت. (همان، ۳) بالاخره با انقلاب مشروطیت نخستین انفجار ناسیونالیسم لیبرال دموکراتیک شروع شده، اما دوام چندانی نداشت.

می‌توان گفت که براساس دیدگاه کاتم، نیروهای سیاسی و اجتماعی ایران از دهه ۱۲۷۰ش به بعد به دو دسته نیروهای ملی‌گرا و نیروهای ملت‌گریز تقسیم می‌شوند. در این راستا از نظر وی نیروهای مقابل ملی‌گرایی که چالش ناسیونالیسم ایران به حساب می‌آمدند عبارت بودند از: اقلیت‌های مذهبی، ایلات و عشایر و گرایش‌های خاص منطقه‌ای (خودمختاری‌های منطقه‌ای).

درباره دیدگاه کاتم ذکر چند واقعیت ضروری است. نخست اینکه از ابتدای جنبش اجتماعی ایران تفکیک نیروهای مذهبی و ملی دشوار به نظر می‌رسد و این دو جنبش‌ها را با هم به پیش برده‌اند. دوم اینکه کاتم ناسیونالیسم ایرانی را به روی کار آمدن رضاشاه و محمدرضا هم پیوند می‌زند. اما سؤال این است که چه تفاوتی میان